

## چکیده

۱. راه‌های شرعی استمتاع بر دو گونه است:

الف) نکاح

ب) ملک یمین

۲. نکاح عبارت است از انشاء علقه زوجیت.

۳. ایجاب و قبول باید با الفاظ «زوجت و انکحت» باشد.

۴. در تحقق نکاح دائم با لفظ «متعت» اختلاف وجود دارد.

۵. مشهور بر آنند که صیغه عقد باید به عربی و به صورت ماضی اجرا شود.

۶. انشاء ایجاب از جانب مرد صحیح است.

۷. اجراء عقد توسط وکیل زوجین جایز است.

۸. عقد دائم یا موقت نیاز به حضور شاهد ندارد.

۹. در صحت نکاح باکره موافقت ولی او شرط است برخلاف نکاح ثیب.

۱۰. ادلہ جواز استمتاع در نکاح و ملک یمین عبارت‌اند از:

الف) وضوح فقهی

ب) آیه قرآن کریم

۱۱. ادلہ صحت تعریف نکاح عبارت‌اند از:

الف) شهرت

ب) استعمالات قرآن

## چکیده

۱. قدر متین از صیغه هایی که عقد دائم با آنها محقق می شود صیغه «انکحت و زوجت» است.
۲. ادله ای که بر اعتبار لفظ در ایجاب و قبول دلالت می کنند عبارتند از:
  - الف: اجماع
  - ب) وجود تفاوت بین نکاح و زنا
  - ج) روایت ابان بن تغلب
  - د) سیره مبشر علی
۳. مستند صحت عقد با لفظ «زوجت و انکحت» استعمالات آیات قرآن کریم و روایت ابان است و مستند صحت عقد با لفظ «انکحت» استعمالات آیات قرآن است.
۴. برخی گفته‌اند ازدواج دائم با لفظ «متعت» محقق نمی شود زیرا در نصوص شرعی برای ایجاد عقد دائم به این لفظ تصریح نشده است لذا باید به قدر متین الفاظ اکتفا شود.
۵. برخی گفته‌اند ازدواج دائم با لفظ «متعت» نیز محقق می شود به دلیل موئیه عبدالله بن بکیر که تنها فرق عقد دائم و موقت را در ذکر مدت داشته‌اند.

ادله نکاح لزوم لفظ در عقد  
اجماع عامه و خاصه  
تفاوت بین زنا و نکاح  
روایات مانند روایت ابی بن تغلب  
سیره متشرعه

در نصوص شرعی نیامده است.

الفاظ عقد توقيفي است.

صحیح است به دلیل موئیه عبد الله بن ابی بکر.

صحیح نیست زیرا

نظر فقهاء در اجرای عقد دائم با لفظ متعت

## چکیده

۱. ادله لزوم عربیت در عقد، عبارت‌اند از:
  - الف) عدم صدق عنوان عقد در صورتی که به غیر عربی باشد.
  - ب) قدر متيقن از عقد صحيح، عقد عربی است.
۲. مصنف بر اين دو دليل اشکال نموده است به اين که آنچه مطلوب هست نفس ايجاد عقد نکاح مشروع است.
۳. برخى تفصيل داده‌اند که اگر امكان دارد زوجين وکيل بگيرند تا عقد به عربى اجرا شود اما اگر اخذ وکيل ممکن نبود می‌توانند عقد را به هر زيانی که خواستند اجرا کنند و احتياط واجب رعایت اين تفصيل می‌باشد.
۴. برای اعتبار ماضیوت به چند دليل استدلال شده است:
  - الف) قدر متيقن از عقد صحيح عقدی است که با صيغه ماضی باشد.
  - ب) فعل ماضی صراحة در انشاء عقد دارد.
  - ج) جاييز بودن غير ماضی به گسترش بي رویه الفاظ عقد منجر می‌شود.
- ۵) ادله جواز اجراء عقد توسط وکيل، اطلاقات ادله مشروعیت باب وکالت و روایات خاصه مانند صحیحه داود بن سرحان می‌باشد.

## ساختار

لازم است  
عربی بودن الفاظ عقد  
(مصنف) لازم نیست  
در صورت تمکن از وکيل، لازم است.

عدم صدق عنوان عقد بر عقد غیر عربی  
دليل عربی بودن  
قدر متيقن از عقد صحيح، عقد عربی  
اشکال مصنف: عنوان عقد بدون قيود اضافي، مطلوب شارع است.

لازم است  
اقوال در ماضی بودن عقد  
(مصنف) لازم نیست.

قدر متيقن از عقد صحيح

ادله ماضی بودن عقد ماضی صریح در انشا است.

توقیفی بودن الفاظ عقد نکاح

تحقیق عنوان نکاح بدون تقدم ایجاب

ادله عدم لزوم تقدم ایجاب بر قبول

در برخی روایات قبول مقدم شده است.

اطلاقات ادله شرعیه و کالت

ادله جواز توکیل

صحیحه داود بن سرحان

## چکیده

۱. مستند صحت وکالت یک نفر از زوجین، اطلاق ادله مشروعیت وکالت است و اتحاد موجب و قابل در وکالت، خللی ایجاد نمی کند؛ زیرا در اجرای صیغه عقد تغایر اعتباری کفايت می کند.
۲. دلیل عدم جواز استمتع زوجین از یکدیگر قبل از اطمینان از اجرای عقد توسط وکیل، استصحاب عدم تحقق عقد است.
۳. ادله عدم لزوم شاهد در نکاح عبارت اند از:
  - الف) دلیلی بر اثبات آن وجود ندارد.
  - ب) روایت امام کاظم عليه السلام.
۴. پدر وجد پدری می توانند فرزند نابالغ و مجنون خود را با رعایت مصالحشان تزویج کنند اما ولايتشان نسبت به دختر بالغ بکر در امر ازدواج، مورد اختلاف است. و زن غیر باکره در ازدواج مستقل است.
۵. مستندات ولايت پدر وجد پدری بر تزویج فرزندان غیر بالغ عبارتند از:
  - الف) اجماع.
- ب) روایات، مانند صحیحه مسلم از امام باقر عليه السلام و از همین روایت نیز استفاده می شود که این ولايت مخصوص جد پدری است و بر جد مادری چنین ولايتی نیست.
۸. دو دلیل بر ولايت پدر وجد پدری بر مجنون وجود دارد:
  - الف: صحیحه ابی خالد قماط از امام صادق عليه السلام.
  - ب: استصحاب.

۱- اطلاق ادله مشروعیت و کالت

دلیل صحت عقد توسط وکیل واحد

۲- مغایرت اعتباری کفايت می کند.

۱- تمسک به اطلاق ادله صحت نکاح

دلیل بر عدم نیاز به شاهد عقد

۲- روایت امام کاظم علیه السلام

۱- کودک نابالغ ولایت دارد

پدر و جد پدری بر تزویج

۲- مجنون قبل از بلوغ ولایت دارد.

۳- مجنون بعد از بلوغ ولایت دارد.

نکته: دلیل بر ثبوت ولایت پدر و جد پدری، در موارد فوق، روایات است.

اجماع

ادله ثبوت ولایت بر فرزند صغیر

صحیحه محمد بن مسلم

مستند بعضی احکام

صحیحه ابی خالد

ادله ثبوت ولایت بر مجنون

استصحاب

## چکیده

۱. دلیل بر ثبوت ولایت برای مجنونی که جنونش بعد از بلوغ عارض شده است اطلاق صحیحه خالد بن قماط است.
۲. سه قول در ولایت پدر و جد پدری بر ازدواج باکره وجود دارد:
  - الف) پدر و جد پدری به صورت استقلال ولایت بر ازدواج باکره دارند.
  - ب) اذن پدر یا جد پدری لازم است اما به عنوان شرط صحت نکاح، نه این که مستقلاً حق تزویج باکره را داشته باشند.
  - ج) رضایت دختر باکره به نحو استقلالی در ازدواج شرط است.
۳. مصنف نظریه دوم را پذیرفته است و معتقد است ولایت پدر از روایات و رضایت باکره مقتضای استصحاب است.
۴. این که جد پدری در امر ولایت بر ازدواج همانند پدر محسوب شده است به این جهت است که عرف و لغت کلمه (اب) را بر جد نیز حقیقته اطلاق می‌کند.
۵. دلیل استقلال غیر باکره برای تصمیم گیری در امر ازدواج نصوص متعدد شرعی و اتفاق نظر فقهاست.

هر یک از ابوین مستقل است.

دختر باکره در امر ازدواجش مستقل است.

هم ابوین و هم دختر نقش دارند.

مصنف: موافقت هر دو؛ ولایت ابوین با روایات و ولایت دختر با اصل

ثابت می شود.

اقوال ولایت در ازدواج باکره

۱. نگاه کردن به بدن نامحرم جایز نیست مگر در مقام معالجه، ضرورت، زنان سالخورده و دختران نابالغ، زنان کفار و زنانی که به امر به معروف و نهی از منکر توجه نمی‌کنند.
۲. کسی که قصد ازدواج بازنی را دارد می‌تواند به برخی از مواضع زینت او نگاه کند.
۳. مصنف به سه دلیل بر حرمت نگاه کردن به زن نامحرم، اشاره می‌کند:
  - مسلمات فقهی
  - آیات قرآن کریم
  - روایاتی که صرفاً نمایان نمودن دست و صورت را از حرمت ابداء استثنا کرده است.
۴. برخی به این قسمت از آیه « قل للّمومنین يغضوا من ابصارهم...» نیز اشاره کردند که مصنف آن را نمی‌پذیرد.
۵. ادلہ جواز نظر به صورت و دست ها عبارتند از:
  - صحیحه فضیل
  - روایت زراره
  - تمسک به آیه شریفه که پوشش گردن را لازم می‌شمارد و صورت و دست ها را منع نمی‌کند.

## چکیده

۱. مفاد آیه «ولیضرین بخمرهن علی جیوبهن» این است که زنها گردن هایشان را با روسربی پوشانند و این دلیل بر آن است که اگر پوشاندن صورت لازم بود سزاوار بود که در آیه ذکر شود.
۲. برخی گفته‌اند که موضوع نگاه کردن زن به مرد نیز همانند نگاه مرد به زن است و ادعای اجماع نیز شده است اما مصنف با تمسک به سیره متشرعه، چنین اجتماعی را مستفی می‌داند.
۳. ادلہ جواز نظر زن به مرد عباتند از :

الف: سیره متشرعه

ب: عدم وجود روایتی در این مسئله

۴. ادلہ قول به حرمت نگاه زن به مرد

\*آیه قرآن کریم

\*روایات

نظریه برخی از علماء نگاه مرد به زن است به دلیل اجماع جایز نیست.

اقوال در نگاه زن به مرد

عدم سوال اصحاب از ائمه علیهم السلام

مصنف: جواز نگاه به دو دلیل

سیره قطعیه

قرآن کریم: قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن

ادله حرمت نگاه زن به مرد روایات: مانند روایت برقی از ام مکتوم و روایت طبرسی

مصنف: ادله ناتمام است.

## چکیده

۱. به نظر مصنف تمام ادله‌ای که بر حرمت نگاه کردن زن به مرد اقامه شده است مخدوش است.
۲. ضرورت، سیره مسلمین و روایات حمام دلالت می‌کند که نگاه کردن به بدن هم جنس جایز است (بجز عورت)
۳. دلیل جواز نگاه و لمس در حالت ضرورت تزاحم است.
۴. دلیل بر جواز نگاه کردن به زنان یائسه‌ای هست که امید ازدواج در آنان نیست، آیه ۶۰ سوره نور است.
۵. کوتاهی و قصور مقتضای ادله حرمت نگاه به زنان، دلیل بر جواز نگاه کردن به دختر بچه غیر بالغ است و ادله‌ای که بر حرمت نگاه به زن وارد شده است مختص به زنان بالغ است.
۶. دلیل جواز آشکار نمودن زینت دربرابر صبی ممیز، صحیحه بزنطی است که مقید اطلاق آیه قرآن نیز می‌باشد.
۷. ادله جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد عبارتند از:

الف) اتفاق فقها

ب) روایات

## ساختار

### ضروریات فقهی

دلیل جواز نگاه به بدن هم جنس مقتضای سیره مسلمین

روایات باب حمام که فقط مثزر (لنگ) را لازم می‌شمارد.

### اصل برائت

به زن در مقام ضرورت، تزاحم است.

دلیل جواز نگاه یائسه، آیه قرآن است.

دختر غیر بالغ، قصور روایات است.

زنی که قصد ازدواج با او هست اتفاق

### روایات

## چکیده

۱. برخی از فقهاء معتقدند نگاه کردن مرد به تمام بدن زنی که قصد ازدواج با آن را دارد جایز است مگر عورت به دلیل اطلاق برخی از روایات.
۲. در نگاه کردن زن به بدن مردی که قصد ازدواج با آن را دارد بین علما اختلاف است و شیخ انصاری آن را جایز دانسته است.
۳. نگاه کردن به زنان اهل ذمه و نیز سایر غیر مسلمانان جایز است زیرا بر اساس موئنه سکونی و صحیحه عبادین صهیب این قسم از زنان حرمت ندارند.
۴. بر طبق اطلاق صحیحه عباد بن صهیب، نگاه کردن به زنان اهل بادیه و نیز کسانی که به نهی از منکر اعتنا نمی‌کنند جایز است.
۵. جواز نگاه به نامحرم در موارد استثنای شده مشروط به این است که قصد لذت و ریبه‌ای وجود نداشته باشد.
۶. منشأ حرمت عقد یا نسبی است و یا سببی؛ و حرمت سببی یا حرمت دائمی است یا موقتی که توضیح بیشتر در مباحث آینده خواهد آمد.

شیخ انصاری: جایز است.

اقوال نگاه زن به مرد به قصد ازدواج

مصنف: جایز نیست.

موقعه سکونی

دلیل جواز نگاه زنان غیر مسلمان

صحیحه عباد بن صحیب

نسب

منشأ حرمت ازدواج با برخی زنان

حرمت دائم

سبب

حرمت موقت

## چکیده

۱. دلیل بر حرمت ازدواج با محرام نسبی، آیه قرآن است.
۲. دختر انسان هر چه پایین برود چون مصدق دختر است اطلاق ادلہ شامل او می شود و ازدواج با او حرام است و نیز همین اطلاق در مواردی مثل مادر و عمه عمه، خاله خاله هر چه بالا رود وجود دارد.
۳. حرمت در دسته های هفت گانه زنان دو طرفی است یعنی اگر ازدواج با دختر حرام است ازدواج دختر با پدر نیز حرام است و نیز ازدواج مادر با فرزند حرام است.
۴. حرمت ازدواج با دسته های هفتگانه نسبی مختص به نکاح شرعی نیست بلکه اگر از طریق غیر شرعی از قبیل زنا و وطی به شبھه نیز این نسبت ها به وجود بباید، ازدواج با این نسب حرام می شود؛ زیرا ادلہ مطلق است و مقید به نکاح شرعی نشده است.
۵. برای منشاً تحریم سببی مواردی از قبیل: دامادی، شیر دادن، در عده بودن، زن زیادی، کفر، احرام و لعan می باشد.

## ساختار درس

اصناف حرمت نسبی: مادر، دختر، خواهر پدری، خواهر مادری، خواهر تنی از یک پدر و مادر، عمه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر

ازدواج با مادر، دختر، عمه و خاله هر چه بالا رود یا پایین آید حرام است.

بعضی احکام حرمت ازدواج برای اصناف هفتگانه دو طرفی است.

در ازدواج با اصناف هفتگانه فرقی بین این که نسب از راه شرعی ثابت شده باشد یا غیر شرعی، وجود ندارد.

## چکیده

۱. به مجرد عقد دائم یا منقطع، پدر زوج هر چه بالا رود و پسر زوج هر چه پایین رود بر زوجه حرام می شود چه پدر و مادر نسبی باشند و چه رضاعی.
۲. و نیز به مجرد عقد، مادر زن، هر چه بالا رود بر زوج حرام می شود.
۳. بر مرد جایز نیست در صورتی که به همسرش دخول کرده باشد با دختر همسرش ازدواج کند.
۴. ازدواج با دو خواهر در زمان واحد حرام است
۵. ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده همسر بدون اذن او جایز نیست.
۶. زنای با حاله موجب حرمت عقد دختر او می شود و برخی عمه را به حاله ملحق کرده‌اند.
۷. اگر با پسری لواط کند دختر، خواهر، و مادر او بر لواط کننده حرام ابد می شود.
۸. ازدواج با زن شوهردار در صورت علم به حکم و موضوع موجب حرمت ابدی می شود و در فرض جهل نیز مشهور گفته‌اند زنا با زن شوهر دار موجب حرمت ابدی می شود
۹. اجماع، ضرورت فقهی و دینی و آیات قرآن کریم و روایات، ادله حرمت عقد زن پدر وزن پسر بر یکدیگر است.

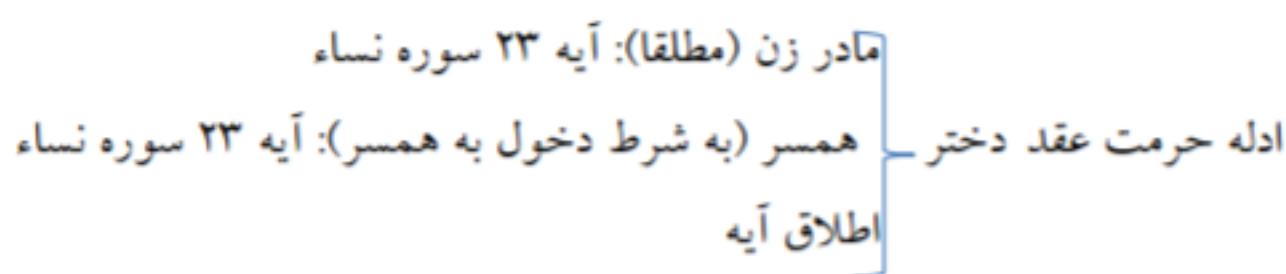
زوجه هر یک از پدر و پسر بر یکدیگر حرام می شود.  
دختر زن هر چه پایین رود به شرط دخول با زن بر مرد حرام می شود.  
عقد کردن دو خواهر برای یک نفر در یک زمان جایز نیست.  
**احکام مصاهره** عقد خواهر زاده و برادر زاده همسر، با اجازه همسر جایز است.  
زنا با حاله موجب حرمت دختر خاله می شود.  
خواهر، مادر و دختر لواط شده بر لواط کننده حرام است.  
ازدواج آگاهانه با زن شوهر دارد موجب حرمت ابدی می شود.

ضرورت فقه  
حرمت زوج پدر و پسر بر دیگری  
آیات قرآن کریم  
روایات

## چکیده

۱. دلیل بر حرمت عقد مادر همسر همبستر شده باشد یا نشده باشد - آیه ۲۳ سوره نساء است.
۲. دلیل بر حرمت عقد دختر همسر در صورت همبستر شدن با همسر آیه شریفه است و اطلاق آیه شامل دختر دختر همسر هر چه پایین رود می‌شود.
۳. ازدواج با دختر همسر حرام است هر چند دختر در خانه مرد بزرگ نشده باشد ادله این تعمیم عبارتند از:
  - الف) موثقه غیاث بن ابراهیم
  - ب) تسالم فقهاء
۴. تا زمانی که زن در عقد مرد باشد نمی‌توان با دخترش ازدواج نمود گرچه همبستر نشده باشد؛ زیرا در صورت عقد دختر، عقد همزمان با همسر و مادر همسر می‌شود که در آیه قرآن ازدواج با مادر زن حرام شمرده شده است.

## ساختار درس



غیاث بن ابراهیم

ادله تعمیم ریسیه(فی الحجر عدمه) موثقه

تسالم فقهاء

۸

((کلیه حقوق این اثر منتعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه حواهران می باشد))

## چکیده

۱. ادله حرمت عقد خواهر زن عبارت‌اند از:

الف) عدم خلاف بین مسلمین

ب) آیات قرآن کریم

ج) روایات

۲. دلیل حرمت ازدواج با دختر برادر زن یا دختر خواهر زن، موثقه محمد بن مسلم می‌باشد

۳. در موضوع حرمت عقد دختر خواهر و دختر برادر همسر سه دسته از روایات وارد شده است جواز مطلقاً، منع

مطلوباً و جواز در صورت اذن؛ مصنف در جمع بین روایات به جواز عقد در صورت اذن همسر حکم می‌نماید.

۴. ادله حرمت عقد دختر خاله در صورت زنای با خاله، صحیحه محمد بن مسلم و شهرت فتوای است.

۵. ادله حرمت عقد دختر عمه در صورت زنای با عمه، اولویت قطعی و قول به عدم فصل است.

## ساختار درس

ادله حرمت عقد خواهر زن (جماعاً)  
آیه ۲۳ سوره نساء

تسالم فقها

روايات

ادله حرمت عقد  
خواهر زاده و برادر زاده همسر بدون اذن همسر: موثقه محمد بن مسلم

دختر خاله در صورت زنای با خاله: صحیحه محمد بن مسلم

## چکیده

۱. دلیل حرمت عقد مرد با زنی که با مادرش زنا کرده است صحیحه محمد بن مسلم است.
۲. دلیل جواز عقد مرد با زنی که با مادرش زنا کرده است صحیحه سعید بن یسار است که چون صراحت بر جواز دارد لذا صحیحه محمد بن مسلم حمل بر کراحت می‌گردد.
۳. ادلہ بر حرمت عقد مادر، خواهر و دختر لواط شونده برای لواط کننده، عبارتند از:
  - الف) تسامم فقها
  - ب) مرسله ابن ابی عمیر، موثقة ابراهیم به ضمیمه قول به عدم فصل یا به ضمیمه روایات دیگر.
  ۴. دلیل تقييد فاعل به بلوغ و تقييد مفعول به غیر بلوغ، موثقة ابراهیم است.

برخی از فقهاء: حرام می شود به دلیل صحیحه مسلم

اقوال در حرمت دختر زانیه بر زانی دختر زانیه بر زانی

مصنف: حرام نمی شود به دلیل صحیحه سعید یسار

مرسله ابن ابی عمر

قول به عدم فصل

ادله حرمت خواهر، مادر و دختر مفعول بر فاعل

موثقه ابراهیم بن عمر به ضمیمه

روايات ضعیف السند

## چکیده

۱. دلیل این که لواط قبل از عقد موجب حرمت ابد می‌شود مؤثقه ابراهیم بن عمر است به قرینه عمومیت تعلیلی که در صحیحه محمد بن مسلم آمده است.
۲. روایاتی که بر حرمت ابدی به واسطه ازدواج با زن شوهر دار وارد شده است سه دسته است:
  - الف) حرمت ابدی مطلقاً حتی در صورت جهل و بدون دخول-
  - ب) حرمت ابدی در صورت جهل.
  - ج) حرمت ابدی در صورت دخول.
۳. مصنف با توجه به مجموع روایات قائل می‌شود که ازدواج در صورت علم به شوهر دار بودن زن، موجب حرمت ابد می‌شود و در صورت جهل نیز اگر دخول کرده باشد حرمت ابد محقق می‌شود.

## ساختار درس

حرمت ابدی مطلقاً: مانند موئیه ادیم بن حرمت ابدی در صورت جهل: مانند صحیحه عبد الرحمن با زن شوهر دار

محتوای روایات ازدواج

عدم حرمت ابدی در صورت جهل

حرمت ابدی در صورت دخول

حرمت ابدی در صورتی که مرد آگاه بوده است

نتیجه جمع بین روایات فوق

حرمت ابدی در صورتی که مرد جاہل بوده اما دخول گرفته است.

عدم حرمت ابدی در صورتی که مرد جاہل بوده و دخول صورت نگرفته است.

## چکیده

۱. برای حرمت ابدی با زنی که با او زنا کرده است، مشهور به چند دلیل تمسک کرده‌اند ولی مصنف در ادله مشهور مناقشه می‌کند.
- الف) اولویت قطعی: هنگامی که ازدواج با زن شوهر دار موجب حرمت ابدی شود به طریق اولی زنا موجب حرمت ابدی می‌شود
- پاسخ مصنف: احکام شرعی تعبدی است و راهی برای به دست آوردن ملاک احکام وجود ندارد.
- ب) روایتی از کتاب فقه رضوی صراحت در حرمت ابد دارد.
- پاسخ مصنف: نسبت این کتاب به امام رضا علیه السلام ثابت نشده است.
- ج) ادعای اجماع شده است.
- پاسخ مصنف: اجماع ثابت نیست و بر فرض ثبوت، محتمل المدرک است و حجت نیست.
۲. دلیل عدم حرمت ازدواج در فرض زنا با زن شوهردار آیه ۲۴ سوره نساء می‌باشد.
۳. مصنف برای جلو گیری از مخالفت مشهور معتقد به احتیاط واجب است در حرمت ازدواج با زن شوهرداری که با آن زنا شده است.

## ساختار درس

### ۱. اولویت قطعی

مصنف: اولویت قطعیه صحیح نیست زیرا ملاک احکام را نمی‌دانیم.

ادله حرمت ابدی در فرض زنا با زن شوهر دار

مصنف: کتاب معتبر نیست.

### ۲. اجماع

مصنف: معتبر نیست چون محتمل المدرک است.

نتیجه: احتیاط به دلیل مخالفت نکردن با مشهور

سبی باشد یا سبی، اختلاف<sup>۱</sup> وجود دارد<sup>۲</sup>.

## عدم فرق در حرمت رضاع، قبل و بعد از عقد

ر انتشار حرمتی که ذکر شد، فرقی نمی‌کند بین این که اول رضاع اتفاق افتاده باشد، سپس عقد شد، یا این که اول ازدواج کرده باشد و سپس شیرخوردن اتفاق افتاده باشد، چون در هر دو شود، مثلاً اگر مردی با دختر صغیری ازدواج کند، سپس دختر یا زوجه‌اش به دختر صغیر شود را عقد کرده، ولی چون دخترش و یا زنش به او شیر داده، دخترش محسوب می‌شود و لذا بر

F

الف) سبی	Haram	۱. رضیع با اولاد مرتضع
ب) رضاعی	حلال	
۲. رضیع با فرزندان صاحب شیر	سبی و رضاعی حرام	۲. رضیع با فرزندان صاحب شیر
الف) رضاعی	حلال	
۳. فرزندان پدر با اولاد مرتضع	حلال	۳. فرزندان پدر با اولاد مرتضع
ب) نسبی	اختلاف وجود دارد.	
۴. فرزندان پدر با اولاد صاحب شیر	نسبی و رضاعی اختلافی وجود دارد.	۴. فرزندان پدر با اولاد صاحب شیر

نکاح

طبیق

۹. تحرم على أب الرضيع بنات المرضعة النسبيات دون الرضاعيات.

پدر بچه‌ای که شیر خورده، دختران نسبی زنی که شیر داده، حرام است، اما دختران رضاعی او تحرم عليه أيضاً بنات صاحب اللبن النسبيات و الرضاعيات. و هذان هما الاستثناء من الضابط الكل

۱۰. و این مسئله مبتنی بر این است که آیا می‌توان محدوده روایاتی که می‌فرمایند؛ «يحرم من الرضاع ما يحرم من النسبيات» حدود به خود رضیع است، چون اگر محدود به خود رضیع باشد، نباید چنین ازدواجی حرام باشد، اما اگر گفته شود؛ همایود رضیع حرام است، نسبت به ملازماتش نیز حرام می‌شود، بنابراین برادران او حق ازدواج با دختران مرضعه را ندارند و نمی‌توانند با پسران مرضعه ازدواج نمایند.

۱۱. شهید اول می‌فرماید: «ازدواج برادر و خواهر نسبی مرتضع، با خواهر و برادر رضاعی او، بنابر قول مشهور، جایز است»

ص ۱۹۳

۱۲. لی شیخ طوسی قائل به عدم جواز چنین ازدواجی است. الخلاف، ج ۴، ص ۳۰۲، و النهاية ۴۶۲، و المبسوط ج ۵، ص ۲. شهید ثانی می‌فرماید: «اگر زوجة كبيرة مردی به زوجة صغيرة او شیر دهد، در صورتی که به زوجة كبيرة، دخولی زوجة صغيرة و هم زوجة كبيرة بر این مرد حرام ابدی می‌شوند، ولی در صورتی که به زوجة كبيرة، دخولی صورت نگرفت و باطل می‌شود، اما فقط زوجة كبيرة، به این مرد حرام ابدی می‌شود و زوجة صغيرة بر این مرد، حرام ابدی نمی‌شود». ا

۱۹

۱۳. بر خلاف این قول؛ مرحوم طبرسی، ازدواج پدر رضیع با اولاد رضاعی مرتضع را جایز نمی‌داند. مجمع البيان، ج ۲، ص

## چکیده

۱. زنی که بچه را شیر داده، مادر رضیع می‌گردد و صاحب شیر، پدر او و همچنین برادرها و خواهرهای زن، دایی و خاله؛ برادرها و خواهرهای مرد، به ترتیب عمو و عمه بچه محسوب می‌شوند. و بچه‌های این زن و مرد برادرها و خواهرهای طفل می‌باشند.
۲. اگر طفل بزرگ شود و صاحب بچه شود، زنی که شیر داده، مادر بزرگ بچه‌های او و شوهرش، یعنی صاحب شیر، پدر بزرگ آن‌ها می‌شوند.
۳. قاعده کلی در باب رضاع این است؛ هر گاه عناوین هفت گانه باب نسب، در باب رضاع پیدا شوند، موجب حرمت عقد نکاح می‌شوند.
۴. از قاعده بالا دو مورد به دلیل نص استشنا شده که عبارتند از:
  - الف) ازدواج پدر رضیع با دختران نسبی مرتضع، حرام است، اما با دختران رضاعی او می‌تواند ازدواج کند.
  - ب) ازدواج پدر رضیع با دختران نسبی و رضاعی صاحب شیر حرام است.
۵. نکاح رضیع با فرزندان نسبی و رضاعی صاحب شیر و همچنین با اولاد نسبی مرتضع حرام است، ولی با اولاد رضاعی مرتضع حلال است.
۶. ازدواج فرزندان پدر با اولاد رضاعی مرتضع حلال است، اما با اولاد نسبی و اولاد صاحب شیر اختلاف وجود دارد.
۷. در حرمت رضاع، فرقی بین مقدم بودن نکاح بر رضاع یا مؤخر بودن آن نیست.

۱. رضاع سبب حرمت نکاح می شود و این جزء مسلمات دین است و دلیل آن دو چیز است:  
الف) آیة قرآن، ب) روایت پیامبر اسلام (ص) و قول امام صادق علیه السلام است.
۲. مستند این که زن شیرده، مادر رضاعی شیر خوار و شوهر او که صاحب شیر است، پدر رضاعی او و برادرهای این مرد و زن، عمو و دایی او و خواهرهای آنها، عمه و خاله این بچه می گردند، آیة قرآن می باشد.
۳. اگرچه آیه مختص مادر و خواهر است، اما نباید به این مقدار اکتفا نمود، زیرا تنزیل در روایات عمومیت دارد.
۴. این که حرمت مخصوص عناوین هفت گانه بوده و شامل غیر آنها نمی شود، به دلیل روایت پیامبر اسلام (ص) است که فرمود: «يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب».
۵. مضامون آیة قرآن که فرموده: «و أحل لكم ما وراء ذلكم» به عنوان یک قاعدة کلی می باشد و روایات باب رضاع که فرموده: «يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب» به عنوان مخصوص منفصل آیة شریفه محسوب می شوند و هنگام شک در توسعه دلیل مخصوص - طبق اقتضای قاعدهای که می گوید هنگام شک در اقل و اکثر منفصل، باید به حداقل اکتفا کرد - لازم است به اصلی که از آیة قرآن استفاده می شود، رجوع کنیم.
۶. ثمرة اختلاف در قائل به توسعه یا ضيق بودن دلیل بسیار زیاد است، لذا طبق نظر مشهور، حکم شامل پدر، مادر، برادر و خواهر مرتضع نمی شود، ولی طبق نظر میرداماد، حکم شامل اینها نیز می شود.
۷. گرچه قاعده اقتضا نمی کند که ازدواج پدر رضیع با اولاد مرتضع حرام باشد، ولی صحیحه ایوب بن نوح به آن دلالت دارد.
۸. حرمت ازدواج پدر رضیع با اولاد مرتضع، فقط مخصوص دختران نسبی او بوده و شامل دختران رضاعی او نمی شود؛ زیرا ظهور کلمه «الولد» در فرزندان نسبی است.
۹. هنگام شک در حرمت ازدواج با دختران رضاعی، به آیة قرآن که می فرماید: «جز آنها، زنان دیگر بر شما حلال شده‌اند» تمسک کرده و گفته می شود؛ اصل حلال بودن نکاح با آنها می باشد.

۱. دلیل حرمت ازدواج پدر رضیع با دختران نسبی صاحب شیر، صحیحه علی بن مهزیار از امام باقر (ع) است. و دلیل حرمت ازدواجش با دختران رضاعی او، تمسک به اطلاق حدیث «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» می‌باشد.
۲. نکاح رضیع با دختران رضاعی و نسبی صاحب لبن و دخترهای نسبی مرضعه حرام است، چون آن‌ها خواهران او محسوب می‌شوند و دلیل عدم حرمت نکاح او با فرزندان رضاعی مرضعه این است که اتحاد فحل که شرط گسترش حرمت است، وجود ندارد.
۳. دو قول در ازدواج فرزندان پدر رضیع با اولاد نسبی مرتضع و فرزندان نسبی و رضاعی صاحب شیر وجود دارد:
  - (الف) شیخ طوسی می‌فرماید: جایز نیست، چون دخترها طبق روایت علی بن مهزیار و ایوب بن نوح، دخترهای پدر رضیع محسوب می‌شوند.
  - (ب) مصنف می‌فرماید: به دلیل تمسک به آیه «و أَحْلَّ لَكُم مَا وَرَاءَ ذَلِكُم» جایز است.
۴. در این که رضاع باعث حرمت نکاح می‌شود، تفاوتی نمی‌کند که نکاح مقدم بر رضاع باشد یا مؤخر باشد و دلیل این حکم، صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر (ع): «اگر مردی با دختر شیر خواری ازدواج کند، سپس همسرش به او شیر دهد، عقد نکاحش منفسخ می‌شود.» و اطلاق روایاتی است که می‌گویند رضاع به منزله نسب است.

## چکیده

۱. محرومیت رضاعی هشت شرط دارد که عبارتند از:

الف) شیر ولادت باشد.

ب) کودک شیر را از پستان بمکد.

ج) دو سال بچه تمام نشده باشد.

د) شیر خالص باشد.

ه) شیر از یک شوهر باشد.

و) زن شیرده یک نفر باشد.

ز) شیر خوردن موجب روییدن گوشت و محکم شدن استخوان شود.

ح) شیر خوردن دیگری فاصله نشود.

۲. اگر زنی که ازدواج مجدد کرده، قبل از تولد فرزندش، از شیر شوهر قبلی (مثلاً پنج نوبت) به بچه‌ای شیر دهد و پس از تولد فرزندش، ده نوبت دیگر به آن بچه شیر دهد، حرمت حاصل نمی‌شود، چون تمام شیر از یک شوهر نبوده است.

۳. اگر مردی دو زن داشته باشد و هر دو شیرده باشند و یکی از آنها پنج نوبت و دیگری ده نوبت به کودک شیر دهند، در این صورت حرمت محقق نمی‌شود.

۴. راه شرعی برای احراز شیر دادنی که موجب روییدن گوشت یا محکم شدن استخوان باشد، یک شبانه روز و یا ده بار متوالی است. و برخی گفته‌اند؛ باید پانزده بار باشد.

۵. بین شیر خوردن بچه، نباید شیر خوردن دیگری در مقدار کمی و زمانی، فاصله شود؛ بر خلاف مقدار کیفی که در آن عدم فاصله شرط نیست.

۶. فاصله شدن به وسیله خوردن و آشامیدن در مقدار کیفی و در پانزده بار شرط نیست، ولی در مقدار زمانی نباید خوردن و آشامیدن فاصله شود.

۷. از جمله روایاتی که دلالت می‌کنند بر این که باید شیر ولادت باشد، عبارتند از:

الف) صحیحة عبد الله بن سنان

ب) صحیحة یونس بن یعقوب از امام صادق (ع)

۸ دلیل این که باید کودک شیر را از پستان بمکد این است که در روایات تعبیر به ارضعت شده، لذا شیر دوشیده شده، موجب محرومیت رضاعی نمی‌شود.

## چکیده

۱. دلیل این که شیر خوردن باید قبل از دو سالگی باشد، صحیحه حلبی از امام صادق (ع): «لارضاع بعد فطام» است و تفسیر فطام به دو سال با توجه به روایت حماد بن عثمان از امام صادق (ع) می‌باشد.
۲. گرچه در سند روایتی که فطام تفسیر را کرده، سهل بن زیاد آدمی قرار دارد که از غلات می‌باشد، ولی در نقل روایت ثقه بوده، لذا علمای رجالی در مورد او می‌گویند «الامر فی السهل سهل» یعنی مسأله در مورد سهل، آسان است.
۳. دلیل این که باید شیر خالص باشد این است که توقف محرومیت به شیر خوردن است. و در جایی شیر خوردن صدق می‌نماید که خالص باشد.
۴. مستند این که باید شیر از یک شوهر باشد، موئیه زیاد بن سوقه و صحیحه عبد الله بن سنان، «لبنک؛ شیر تو» آمده که به دو نکاح صدق نمی‌کند.
۵. دلیل این که باید زن شیرده یک نفر باشد این است که در صحیحه عبد الله بن سنان است.
۶. در مقدار شیر خوردن برای گسترش محرومیت، اختلاف وجود دارد و منشأ این اختلاف، روایات هستند؛ البته با وجود اختلاف، روایات در مقدار کیفی و زمانی مشترکند؛ یعنی هر گاه از رضاع گوشت بروید و استخوان محکم شود، حرمت گسترش می‌یابد.
۷. در بعضی روایات؛ مثل صحیحه عمر بن زید از امام صادق (ع) ده مرتبه و در بعضی دیگر مثل موئیه زیاد بن سوقه از امام باقر (ع) پانزده مرتبه شیر دادن برای محرومیت مطرح شده است.
۸. چون بین دو روایت مذکور تعارض وجود دارد و جمع آنها ممکن نیست، ساقط می‌شوند و باید به اصل عملی رجوع کنیم.

۱. در مقدار عددی که همان پانزده مرتبه یا ده مرتبه باشد، روایاتی مثل موئنة زیاد و صحیحه عمر بن زید دلالت می‌کند که نباید شیر زن دیگری فاصله شود.
۲. روایات دلالت می‌کنند که در مقدار زمانی - یعنی یک شبانه روز - نباید شیر خوردن دیگری فاصله شود، زیرا در روایات تعبیر شده که در یک شبانه روز شیر دهد و ظاهر این است که در اثنا نباید چیزی فاصله شود.
۳. روایاتی که در مقدار کیفی - یعنی روییدن گوشت و محکم شدن استخوان - وارد شده‌اند، مطلق می‌باشند، لذا فاصله شدن شیر دیگر، اعتباری ندارد.
۴. در روایاتی که پانزده مرتبه ذکر شده، خوردن و آشامیدن مانع محسوب نمی‌شود، زیرا موئنة زیاد فقط قید یکی بودن زن را ذکر کرده است و تنها محل شیر زن دیگر می‌باشد.
۵. در روایاتی که ده مرتبه ذکر شده، نباید چیزی فاصله شود، چون در این روایات، توالی در بین ده بار شرط است و اگر خوردن و آشامیدن بین این تعداد فاصله شود، ده بار خوردن متوالی محقق نمی‌شود.
۶. در تحدید زمانی ظاهر روایات این است که نباید چیزی فاصله شود؛ البته مقدار متعارف آبی که به بچه می‌دهند و همچنین دارو، فاصله محسوب نمی‌شود و رضاع محقق می‌گردد.
۷. روایاتی که ملاک را کیفیت قرار داده‌اند - روییدن گوشت و محکم شدن استخوان - نوشیدن آب یا خوردن غذا مهم نیست؛ بلکه مهم این است که با خوردن شیر، گوشت در بدن کودک بروید و استخوانش محکم شود.
۸. ازدواج با زنی که در عده دیگری است جایز نیست.
۹. اگر هر دو یا یک از زن و مرد علم به حکم و موضوع داشته باشد، هرچند دخول و نزدیکی محقق نشده باشد، حرام ابدی می‌شوند. و در صورت جهل اگر دخولی صورت گیرد، نیز حرام ابدی می‌شوند و بین نزدیکی از جلو و عقب فرقی نمی‌کند.
۱۰. آیات قرآن و روایات بر حرمت ازدواج با زنی که در عده دیگری است دلالت می‌کند.

۱. ادله‌ای که بر جواز ازدواج مرد با زن خودش که او را طلاق داده و در حال عده است دلالت می‌نماید عبارتند از:  
 الف) تشریع عده، ب) روایات ازدواج موقت به ضمیمه قول به عدم فصل بین نکاح دائم و موقت.
۲. روایات ازدواج با زن در حال عده به چهار دسته تقسیم می‌شوند:  
 الف) روایاتی که بر حرمت مؤبد به صورت مطلق دلالت دارند.  
 ب) روایاتی که حرمت را به صورت مطلق نفی کرده‌اند.  
 ج) روایاتی که تفصیل داده‌اند بین عالم و جاهل  
 د) روایاتی که تفصیل داده‌اند بین دخول و عدم دخول
۳. نظر مصنف: اگر مردی با زنی که در عده است ازدواج و نزدیکی کند، اگر عالم بوده، حرمت ابدی می‌آورد و اگر جاهل بوده در صورتی که دخولی محقق شده، به دلیل صحیحه دوم حلبی حرمت ابدی می‌آورد؛ زیرا این صحیحه، بین چهار دسته از روایات مذکور جمع کرده و به عنوان قید برای مطلقات آن‌ها محسوب می‌شود.
۴. در صورت علم یک نفر، حرمت محقق می‌شود، زیرا اگر مرد عالم باشد، دلیل آن روایت اسحاق بن عمار از امام کاظم (ع) است و اگر زن عالم باشد، دلیل آن صحیحه ابن حجاج است.

۱. ازدواج با زنی که در عده شخص دیگری است، در صورتی موجب حرمت ابدی می‌شود که علم به صغیری و کبری باشد و دلیل این حکم، یکی ظاهر روایاتی است که در آن‌ها تعبیر به علم شده و علم به عده، عادتاً ملازم با علم به حرمت ازدواج است، لذا منظور علم به صغیری و کبری است، و دیگری روایت عبد الرحمن بن حجاج از امام موسی کاظم (ع) می‌باشد.
۲. دلیل این که نزدیکی از دبر برای تحقق حرمت ابدی کافی است، اطلاق روایات می‌باشد.
۳. «اعتداد» یکی دیگر از عوامل سببی است که موجب حرمت عقد نکاح می‌باشد.
۴. گرفتن بیش از چهار زن در عقد دائم برای مرد جایز نیست؛ لذا اگر مرد یکی از چهار زن دائم خود را طلاق رجعی دهد، جایز نیست زن پنجم بگیرد، مگر این که عده آن زن تمام شود.
۵. زن در طلاق سوم و ششم به مرد حرام می‌شود، مگر این که با مرد دیگری ازدواج دائم کند و در طلاق نهم حرمت ابدی حاصل می‌شود.
۶. دلیل این که برای مرد بیشتر از چهار زن، جایز نیست، آیه قرآن و روایات می‌باشد.

۱. حرمت ازدواج با زن پنجم، اختصاص به عقد دائم دارد و شامل نکاح موقت نمی‌شود، برای این حکم دو دلیل استدلال شده که عبارتند از: الف) اجماع، ب) روایاتی مانند صحیحه زراره.
۲. از نظر مشهور؛ حرمت ازدواج با زن پنجم قبل از اتمام عده، فقط در طلاق رجعی صورت می‌پذیرد و طلاق باین را شامل نمی‌شود. چون در طلاق رجعی، مرد حق رجوع دارد، ولی در طلاق باین رابطه آن‌ها به طور کلی از بین رفته و مرد حق رجوع ندارد.
۳. پنجمین مورد از عوامل سببی که موجب حرمت عقد می‌شود، کفر است.
۴. ازدواج مرد مسلمان با کافر غیر کتابی جایز نیست و در مورد جواز ازدواج او با زن کافر کتابی اختلاف وجود دارد.
۵. زن مسلمان به طور مطلق نمی‌تواند با غیر مسلمان ازدواج کند.
۶. برای مرد متاهل مسلمان، جایز نیست با زن کتابی بدون اذن همسرش ازدواج نماید، حتی اگر بنا بر جواز ازدواج با زن کتابی بگذاریم.
۸. ادلة عدم جواز ازدواج زن مسلمان با کافر غیر کتابی عبارتند از: الف) اجماع، ب) آیه قرآن.

حکیمہ

## چکیده

۱. اگر شخص محروم، با علم به حرمت ازدواج در حال احرام، با زنی ازدواج کند، آن زن بر او حرام مؤبد می‌شود، و در این حکم فرقی نمی‌کند دخولی صورت گرفته باشد یا دخولی صورت نگرفته باشد.
۲. اگر مردی به زن خود، نسبت زنا دهد، یا بچه‌ای را که از او متولد شده، نفی کند باید حد قذف- یعنی هشتاد تازیانه - بر او جاری شود، مگر این که او را لعان کند که با اجرای لعان، حد بر او جاری نمی‌شود، ولی زنش به او حرام ابدی می‌شود.
۳. حرمت ازدواج در حال احرام اجماعی است و روایاتی مثل صحیحه یونس بن یعقوب از امام صادق (ع) بر آن دلالت می‌کند.
۴. روایات حرمت ازدواج در حال احرام به سه دسته تقسیم می‌شوند:
  - الف) مطلقاً حرام ابدی می‌شود، مانند موثقه ادیم بن حر از امام صادق (ع).
  - ب) مطلقاً حرام ابدی نمی‌شود، مانند صحیحه محمد بن قیس از امام باقر (ع).
  - ج) تفصیل بین عالم و جاهل، مانند صحیحه زراره و داود بن سرحان از امام صادق (ع).
۵. بین روایات دسته اول و دوم تعارض وجود دارد. که با توجه به روایات دسته سوم، می‌توان بین آن‌ها جمع کرد و روایات دسته اول را حمل بر حالت علم و روایات دسته دوم را حمل بر حالت جهل کرد.
۶. علمای شیعه معتقدند؛ ازدواج موقت یا همان متعه مشروع است و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت می‌کند، ولی اهل تسنن قائلند؛ مشروع نیست.
۷. عده وفات در نکاح موقت چهار ماه و ده روز است.
۸. در عقد موقت، نفقة زن بر مرد واجب نیست و زن و مرد از هم ارث نمی‌برند، ولی اگر بچه‌ای متولد شود، بچه متعلق به مرد بوده و از تمام حقوق برخوردار است.
۹. در ازدواج موقت، طلاق وجود ندارد، و جدا شدن پس از اتمام مدت یا بخشیدن مدت توسط است.
۱۰. ازدواج موقت مرد مسلمان با زن غیر اهل کتاب جایز نیست.

۱. ادله مشروعیت ازدواج موقت عبارتند از: الف) ضرورت مذهب، ب) اتفاق عامه و خاصه، ج) شعار شیعه.
۲. اگر اشکال شود که مراد از استمتعان در آیه مذکور عقد موقت (متعه) نیست، بلکه مراد، دخول در عقد دائم است. جواب این است که این دلیل برای رد مشروعیت آن فایده‌ای ندارد، چرا که سنت پیامبر (ص) و اتفاق مسلمانان بر مشروعیت آن دلالت دارد.
۳. ادعای نسخ مشروعیت متعه مردود است، زیرا نسخ، فقط توسط پیامبر اسلام (ص) و در زمان حیاتشان محقق می‌شود. دلیل آن روایتی است که می‌گوید: حلال پیامبر (ص) تا قیامت حلال است و حرام پیامبر (ص) تا قیامت حرام است.
۴. جواب بعضی‌ها که گفته‌اند: «مخالفت مجتهد با مجتهدی دیگر، در مسائل اجتهادی بدعت نیست»، این است که پیامبر اکرم (ص) آنچه را بیان فرموده، وحی الهی است نه این که اجتهاد شخصی او باشد.
۵. تشییه عقد موقت به زنا، برای رد مشروعیت آن صحیح نیست، چون این اشکال به خدا و رسول او وارد خواهد شد، چرا که در صدر اسلام، رسول اکرم (ص) آن را حلال کرده است.
۶. نکاح موقت با پاکدامنی و عفت منافاتی ندارد، چون در آن، شروطی وجود دارد، از جمله این که، جاری شدن عقد موقت به وسیله لفظ بوده و زن باید عده نگه دارد و مدت نیز در آن مشخص است، لذا قابل مقایسه با زنا نیست.

۱. ایجاب و قبول لفظی در عقد موقت واجب است، زیرا ازدواج موقت از مصادیق ازدواج بوده، لذا شروط ازدواج دائم شامل آن نیز می‌شود و همچنین روایاتی در خصوص لزوم صیغه در عقد موقت وارد شده است.
۲. برای اجرای صیغه عقد موقت، پس از تعیین مهر و مدت، زن می‌گوید: «متعتك نفسی بمهر کذا الی اجل کذا»، یا بگوید: «آنکه تک نفسی بمهر کذا الی اجل کذا» یا بگوید: «زوجتک نفسی بمهر کذا الی اجل کذا» سپس مرد می‌گوید: «قبلت».
۳. در ازدواج موقت باید مهریه و مدت آن مشخص باشد و گرنم عقد باطل است. دلیل آن روایاتی از جمله، صحیحه زراره از امام صادق (ع) می‌باشد: «متعه محقق نمی‌شود، مگر با وجود دو چیز؛ مدت معین و مهریه مشخص».
۴. عده زن در عقد موقت دو حیض می‌باشد، زیرا بعد از تساقط روایات، مقتضای استصحاب این است که زن دو حیض عده نگه دارد.
۵. جمع عرفی بین روایات امکان ندارد، و با متعدد بودن جمع عرفی بین آنها، تعارض مستقر می‌شود و باید به مرجحات - که موافق قرآن و مخالف تقویه هستند - مراجعه کنیم و چون هیچ مرجعی وجود ندارد، تساقط حاصل می‌شود و باید به اصل رجوع شود و اصل اقتضا می‌کند که زن دو حیض عده نگه دارد.
۶. اكمال دو حیض، باید بعد از اتمام مدت یا بخشش آن باشد و حیضی که در اوآخر مدت یا وسط بخشش واقع شده، کافی نیست.
۷. دلیل اكمال دو حیض بنابر صحیحه هاشمی واضح است؛ زیرا در این روایت تعبیر به «عدتها حیضتان» شده که ظاهر آن دو حیض کامل است و دلیل اكمال دو حیض بنابر تساقط روایت، استصحاب می‌باشد.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران می باشد))

۱. فرزند حاصله از ازدواج موقت، ملحق به پدر است، این مسأله جزء مسلمات فقه است و روایاتی مثل صحیحة محمد بن مسلم از امام صادق (ع) و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الولد للفراش و للعاهر الحجر» بر آن دلالت می‌کند.
۲. در رابطه با عدم نفقه در عقد موقت؛
  - الف) صاحب جواهر؛ ادعای اجماع کرده است.
  - ب) شیخ بحرانی؛ به دلیلی که می‌گوید؛ متعه طلاق ندارد و بین آنها ارث نیست، بلکه او مستأجر است، استدلال کرده است.
  - ج) مصنف می‌فرماید؛ مسأله، عام البلوی است، و سؤال نکردن اصحاب کاشف از عدم وجوب نفقه می‌باشد.
۳. دسته‌ای از روایات مانند صحیحة زراره از امام باقر (ع) دلالت می‌کنند که در نکاح موقت زن و شوهر از همدیگر ارث نمی‌برند. در این دسته از روایات هیچ تفصیلی داده نشده است.
۴. دلیل این که زوجین در عقد موقت در فرض شرط از یکدیگر ارث می‌برند، موثقة محمد بن مسلم و صحیحة بزنطی است.
۵. دلیل این که زوجین در عقد موقت در فرض عدم شرط از یکدیگر ارث نمی‌برند، صحیحة زراره است؛ زیرا در این فرض موثقة محمد بن مسلم با صحیحة بزنطی معارضه می‌نماید، لذا به روایات دسته اول رجوع می‌نماییم. دسته‌ای از روایات مانند موثقة محمد بن مسلم دلالت می‌کنند که از همدیگر ارث می‌برند، مگر این که شرط کنند که از همدیگر ارث نبرند، لذا چه شرط کنند که از همدیگر ارث ببرند و چه شرط نکنند، ارث می‌برند.
۶. جدایی در عقد موقت یا با اتمام مدت است که دلیل آن اجماع و روایاتی مثل صحیحة هاشمی می‌باشد. یا با بخشیدن مدت توسط مردادست که دلیل آن اجماع و روایاتی مثل صحیحة علی بن رئاب است.
۷. دلیل حرمت عقد موقت کافر غیر کتابی، اطلاق آیه «ولا تنکحوا المشرکات حتیٰ یؤمن» است.